

عنوان مقاله :

سازمان ملل متحد، ابزاری برای توجیه سلطه طلبی آمریکا

نویسنده :

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد

اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)



۱۴۰۴/۱۲/۲۳
CHARTER OF
THE UNITED NATIONS
Articles 1, 39, 41, 42, 51



بعد از تجاوز آمریکایی - صهیونی علیه تمامیت سرزمینی ایران و به شهادت رساندن تعدادی از غیرنظامیان و البته رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران که بر پایه‌ی آرای مردمی و دین و مذهب رسمی و پذیرفته شده‌ی ساکنان ایران به عنوان ولی امر مسلمین و رهبر سیاسی و دینی، هدایت امور جاری آنان را بر عهده داشته است؛ شاید بسیاری از جهانیان منتظر واکنشی مناسب از جانب نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد بودند، انتظار می‌رفت این واکنش در حمایت از غیرنظامیان و حداقل در حمایت از حاکمیت‌های مردمی و دینی، به گونه‌ای باشد که مویدی بر اصل عدم توسل به زور بوده و اصول منشور سازمان ملل متحد را گوشزد نماید و در اجرای رسالت خود بتواند گامی در جهت صلح و امنیت جهانی و پیشگیری از تنش‌های بیشتر بردارد.

بعد از قریب به دو هفته از تجاوز غیرقانونی آمریکایی - صهیونی نسبت به ایران، علی‌رغم درخواست‌های مکرر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران، هیچ واکنشی از این سازمان ملاحظه نشد. بارها نمایندگی جمهوری اسلامی ایران و مقامات سیاسی در بیانیه‌های خود اعلام داشتند، ایران در اجرای حق ذاتی خود مبتنی بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدام نظامی‌اش صرفاً دفاع مشروع است. اقدامات نظامی ایران در حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای همسایه، نه اعلام جنگ به این کشورهاست و نه منافع آن‌ها را تهدید می‌کند، ایرانیان بارها از همسایگان خود درخواست کردند، حریم سرزمینی خود را در زمین، هوا و دریا، در اختیار دشمن متجاوز قرار ندهد، با آمریکا در تجاوز به ایران همکاری نکند و در هر صورت پایگاه‌های نظامی آمریکا را به عنوان بخشی از منافع و حتی خاک آمریکا، هدفی مشروع برای اقدام نظامی تلقی خواهد کرد. با این حال به نظر می‌رسد کشورهای همسایه به دلایل مختلف، این خواسته‌ی ایران را اجابت نکرده و به متجاوزین اجازه‌ی استفاده از خاک خود را داده‌اند. حال به دنبال این واکنش نظامی ایران که با رعایت تمامی اصول و قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه، اعم از حمایت از غیرنظامیان، هدف قرار ندادن مراکز غیرنظامی و ... صورت گرفته است. سازمان ملل متحد و شورای امنیت، بدون در نظر گرفتن اصل موضوع، به مسئله‌ی فرعی آن یعنی شیوه‌ی دفاع ایران پرداخته است. شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای تصویب کرده است که در آن از ایران خواسته شده حملات خود به کشورهای عربی را متوقف کند؛ در حالی که در این سند هیچ اشاره‌ای به تجاوزات آمریکا و تل‌آویو نشده و این اقدامات محکوم نشده‌اند.

روسیه و چین به این قطعنامه رأی ممتنع دادند تا بدون هیچ رأی مخالفی به تصویب برسد. شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد ملزم است وجود تهدید بر علیه صلح، یا بر هم زدن صلح یا اقدام به تجاوز را تشخیص داده، و ذیل مواد ۴۱ و ۴۲ نسبت به آن تصمیم مقتضی و راهکار عملی بازدارنده را اتخاذ کند تا کشورهای عضو اجرا نمایند. چگونه است که اصل تجاوز، آغازگر دو جنگ در سال ۱۴۰۴ علیه ایران، کشتار غیرنظامیان و بخصوص کودکان میناب، هدف قرار دادن مراکز غیرنظامی از جمله مراکز درمانی، آموزشی، بناهای تاریخی، زیرساخت‌ها و آسیب‌های شدید محیط زیستی مانند حمله به پالایشگاه‌های نفت و ... از نظر این شورا و سایر نهادهای سازمان ملل متحد، تهدید علیه صلح محسوب نمی‌شود و هیچ تکلیفی برای این سازمان منفعّل ایجاد نمی‌کند ولی دفاع ایران، این سازمان را به واکنش وادار می‌نماید. سازمان ملل متحد و کمیساریای عالی حقوق بشر این سازمان، نسبت به تهاجم وحشیانه‌ی آمریکایی - صهیونی به دانش‌آموزان و کودکان میناب، حتی از یک اظهار نظر ساده اجتناب می‌کند، نه خواستار تحقیق در این حوزه است و نه آن را محکوم می‌نماید. این سازمان شاهد فجیع‌ترین شکل از نقض حقوق بشردوستانه از سوی کشورهای است که مدعی هستند از نظر نظامی و داده‌های اطلاعاتی برتری قابل توجهی دارند، با این وجود، این حادثه‌ی تلخ را نه به متجاوزین نسبت می‌دهد و نه از وقوع آن اظهار تاسف می‌کند.

مشخص نیست، در چه صورتی نهادهای سازمان ملل متحد، نسبت به رفتار آمریکائیان عکس‌العمل نشان خواهند داد؟ به نظر می‌رسد نفوذ و سلطه‌ی امریکا ابتدائاً از این سازمان شروع شده است، این رژیم تروریستی، با خیالی آسوده از واکنش سازمان ملل متحد، اقدام به تجاوز کرده است. نهادهای سازمان ملل متحد، هرگونه حمایتی از ایالات متحده‌ی امریکا را دریغ نمی‌کنند، هر حادثه‌ای را به نحوی تفسیر می‌کنند که در توجیه قانونی و مشروع اقدامات دولت امریکا، تحلیل شود.

اگر به کارکرد مهم‌ترین نهاد سازمان ملل متحد که تکلیف حفظ صلح و امنیت جهانی را بر عهده دارد بنگریم، درخواهیم یافت که چگونه می‌توان از متجاوز انتظار داشت خود را محکوم نماید. رئیس جلسه‌ی شورای امنیت، دو سمت در این جلسه دارد: او ابتدا رئیس جلسه است و در ادامه به عنوان نماینده‌ی ایالات متحده‌ی امریکا سخن می‌گوید. مشخصاً با وجود حق وتو پیش‌بینی شده برای امریکا در این شورا، طرح هرگونه قطعنامه در آن فاقد اثر است. رئیس جلسه، حق وتو دارد و نمایندگی از امریکا مانع از هر

گونه اقدام علیه این کشور خواهد شد. این موضوع یک طنز تلخ در حقوق بین‌الملل است، واضعان منشور ملل متحد، به نظر می‌رسد قصد نداشته‌اند صلح جهانی را تامین کنند و بیشتر در اندیشه‌ی ایجاد ابزاری برای توجیه اقدامات خود بوده‌اند. چگونه می‌شود سازمانی بین‌المللی با وجود بیش از ۲۰۰ عضو، سرنوشت تصمیمات آن در اختیار یک کشور قرار داشته باشد، آمریکا با برخورداری از حق وتو، مصونیت ابدی از هرگونه محکومیت برخوردار است. نماینده این سازمان در جلسه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد، نماینده‌ی ایران را تهدید می‌کند و بیان میدارد که او در حال حاضر در خاک آمریکا هست و باید مراقب کلمات خود باشد؛ تهدید در سازمان ملل. به نظر می‌رسد باید این سازمان را سازمان ایالات متحده آمریکا نامید، اعضای آن به عنوان پرسنل و نیروهای کار دولت آمریکا در این مقر اسکان داده شده‌اند و با سازوکار منشور، حقوق بین‌الملل را در سایه‌ی اقدامات این کشور تفسیر می‌کنند.

به نظر می‌رسد صحبت از ناکارآمدی این سازمان، اندکی ساده‌لوحانه باشد چرا که اصل تاسیس آن بر حمایت از قدرتهای بزرگ است که در این حوزه کارآمد عمل کرده است، وقتی به منشور سازمان ملل متحد نگاه می‌کنیم، سراسر صحبت از صلح جهانی است. ماده ۱ منشور ملل متحد اهداف تاسیس این سازمان را نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند که به شکل ذیل انجام می‌شود: اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر، برای جلوگیری از تهدیدات بر علیه صلح، و بر کنار کردن آنها، و از بین بردن هر اقدام تهاجمی یا هر اختلال صلح به نحو دیگر و عملی کردن تنظیم و تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات و یا وضعیت‌هایی که جنبه بین‌المللی دارند و ممکن است صلح را بر هم زنند بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌المللی. پر و واضح است که این هدف و این تکلیف زمانی می‌توان اجرایی گردد و به منصف ظهور برسد که این سازمان از یک استقلال و بی‌طرفی کامل برخوردار باشد. استقرار در خاک کشور آمریکا، اعطای حق وتو در مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیر این سازمان به آمریکا، تامین بودجه سازمان در بخش‌های مهم توسط آمریکا، تماما ناقض هر گونه استقلال و بی‌طرفی این سازمان خواهد بود. مشخصا دولت آمریکا از سازمان ملل متحد به عنوان ابزاری جهت نیل به اهداف خود بهره می‌گیرد. نهادی که مقرر شده است صلح جهانی را تامین کند در حال حاضر برآورد کننده‌ی اهداف آمریکاست.

در نتیجه می‌توان اینطور نتیجه گرفت که ایرانیان باید با هوشیاری تمام و تکیه بر توان داخلی و نیروی مردمی از خود دفاع کنند، نه متحدان خارجی و نه نهادهای بین‌المللی هیچ کدام راه نجاتی برای آنها

نخواهند بود. این خود ایران است که می‌تواند حافظ ایران باشد. عبور از این گذرگاه تاریخی، می‌تواند ایران را به اوج قله‌ها برساند و این گذر فقط با اتکای بر داخل خواهد بود. ایران باید قدرت داخلی خود را به جهانیان و متجاوزین دیکته کند و سایه‌ی جنگ را برای همیشه بردارد. تاریخ ایران و البته تاریخ جهان ثابت کرده است، ملت‌ها تنها با نیروی مردمی می‌توانند پیروز بحران‌ها باشند. نسخه‌ی جدید از حمایت خارجی در قالب سازمان ملل متحد نیز مشخصاً شکست خورده است و به یکی از ادارات داخلی ایالات متحده‌ی آمریکا و همچون دکوری توخالی تبدیل شده است. سازمانی که صهیونیسم جهانی، آن را از اهدافش دور ساخته و کارکرد آن را محدود به مسائلی نموده است که در نهایت صلح جهانی را تامین نمی‌کند بلکه نهادی مشورتی برای تصویب اندیشه‌ها و ایدئوژی‌های سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و جهان سرمایه‌گذاری است.



Title :

**The United Nations a tool for justifying
American expansionism**

The Writer:

Mahmoud Rashnavaz

**Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official experts
and consultants of the judiciary**

۲۰۲۶/۰۳/۱۴

JUSTIFIED